



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱  
شنبه ۱۳ دی ۱۳۵۹، مطابق با  
۲۶ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

# امپریالیسم وحشی و تجاوزگر آمریکا چنگ و دندان نشان میدهد

انتشار دو پاسخ دولت آمریکا به شرايط ايران، بار ديگر نشان داد که آمریکا ايران را میخواهد،  
گروگانها بهانه اند

بر اثر آتش نیروهای انقلاب

## به تاسیسات نظامی و نفتی دشمن در بندر فاو آسیب کلی وارد آمد

در ادامه مبارزه دلاوران انقلاب با متجاوزین صدامی، تلفات تازه‌ای به نیروهای دشمن وارد شد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه شماره ۳۵۵ خود شرح گوشه‌ای از عملیات رزمندگان انقلاب را به اطلاع همگان رسانید. در این بقیه در صفحه ۲

سیمای ددمنش امپریالیسم یانکی، در پرتو انقلاب ایران، هرچه بیشتر از سایه‌های فریبی که لیبرالها بر آن می‌افکنند، بیرون می‌آید. شراره‌های خشم توده‌های میلیونی ایران، که با استقامت سترگ خود، نقشه‌های سالوسی آمریکا را نقش بر آب میکنند، بر چهره شیطان بزرگ می‌افتد و در آتش خود نقاب فریب و ریای آن را بازمی‌میرد. بقیه در صفحه ۲

# «استقلال» ایران از نظر برژینسکی و شرکاء

برژینسکی - مشاور امنیتی کارتر طی یک مصاحبه مطبوعاتی بغایت جالبی که در شبکه تلویزیونی «ان. بی. سی» آمریکا بعمل آورده، دوست و دشمن «استقلال» ایران را تعیین کرده است!  
از نظر برژینسکی وقتی «استقلال» ایران محفوظ می‌تواند باشد که «کلیه مسئولان ایرانی صرف نظر از تمایلات سیاسی آنها... خوب توجه کنند» که «شوروی تبدیلی است برای استقلال ایران» و خوب توجه کنند که «استقلال ایران، آن هنگامی که این کشور با آمریکا روابط حسنه داشت، بهتر حفظ میشد»!  
حال اگر مسئولان ایرانی حاضر به پذیرفتن چنین «استقلال»ی نباشند، تکلیف چیست؟ از نظر برژینسکی، آمریکا وظیفه دارد که ایران را از «جنبه دیپلماتیک و اقتصادی... بشدت تنبیه» کند و، اگر موثر نشد، (که نشده است) برای عملیات نظامی، «جیمی کارتر و رونالد ریگان رئیس جمهور منتخب آمریکا، باید آزادی عمل کامل خود را حفظ کنند»!  
بدینسان تا «استقلال» نوع آمریکائی، که در «آنها» وجود داشت، مجدداً در ایران برقرار نشود، تا زمانی که یک رژیم نظیر رژیم «آنها»، به هر وسیله‌ای، از جمله بوسیله

تهاجم مستقیم نظامی، دوباره در ایران استقرار نیابد، یعنی ایران مجدداً میدان غارت قلعاع طریق-های یانکی نشود، نفت و همه هستی ایران تحویل چپاولگران یانکی و شرکاء نشود، ایران مجدداً پایگاه نظامی ضد شوروی و پایگاه «زندان منطقی» برای سرکوب هرگونه جنبش آزادی-خواهانه و استقلال طلبانه در منطقه نشود، و برای تأمین ثبات آن غارت و این پایگاه تهاجمی، یک اردوی ۶۰ هزار نفری «کارشناسان» امریکائی بر تمام شئون سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی ایران مسلط نشوند و یک ساواک درنده جنایتکار خفتان سیاه یا «آزادی» نوع آمریکائی در سر-تاسر ایران برقرار نکند و... خلاصه تا اوضاع «آنها» در ایران تجدید نشود، امریکای جنایتکار دست از سر ایران برنخواهد داشت.  
ولی برژینسکی و شرکاء (اعم از شرکاء یانکی، اروپائی، ژاپنی و نیز «ایرانی» او)، اگر بتوانند پشت گوش خود را بپوشانند، «استقلال آنها» که ایران را نیز خواهند دید.  
در این مدت دو سالی که از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران میگذرد، امریکای جهانخوار، به کمک همه متحدان و مزدوران خود و نیز کمک سازشکاران لیبرال یا «جاده صاف کن‌های» امریکای

که بکسک دولت موقت لیبرال از «پنجره» مجدداً وارد ایران شود، این توطئه در برخورد با درایت و قاطعیت انقلابی امام در هم شکسته شد. دست به توطئه‌های دیگر زد: در کردستان و تبریز و برخی دیگر از نقاط کشور با ایجاد گرد، زیر «رئیس جمهور (امریکا) معتقد است که پایان (یا تثبیت) حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد جماهیر شوروی، حتماً به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد.» امریکا از سوی دیگر کوشید که شید راهی برای استقرار مجدد «استقلال آنها» و سلطه جهانی خود در ایران بکشد. دستورالعمل صادر کرد که: «سوء ظن موجود» بین ایران و اتحاد شوروی دامن زده شود و مناسبات جمهوری اسلامی ایران با شوروی تیره گردد، زیر «رئیس جمهور (امریکا) معتقد است که پایان (یا تثبیت) حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد جماهیر شوروی، حتماً به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد.» امریکا از سوی دیگر کوشید

### حجت الاسلام خامنه‌ای:

مگر این ملت داغدار تسلیم این میشود که افرادی مردم را از دشمن اصلیشان غافل کند؟

### آیت الله دکتر بهشتی:

چرا نیروهای مسلح مادر جبهه، حرکت قاطع تهاجمی شان را شروع نمیکنند؟

نماز جمعه دیروز نیز با حضور دهها هزار نمازگزار، برگزار شد. قبل از شروع خطبه‌های نماز جمعه، آیت الله دکتر بهشتی، رئیس دیوانعالی کشور، درباره مسائل فعلی انقلاب مشروحی بیان داشت. وی تأکید کرد مردم پرورشی راه خود را انتخاب کرده‌اند و همچنان یکپارچه و با قدرت در مقابل دشمنان انقلاب قرار گرفته‌اند. دکتر بهشتی همچنین متذکر شد که فقط هنگامی که درها را بروی امپریالیسم و صهیونیسم باز کنیم، دشمنان انقلاب از ما راضی خواهند شد و از ما ستایش می‌کنند. وی همچنین گفت «هر قدر شما مردم در برابر مستکبرین بیشتر ایستادگی کنید آبروی این انقلاب بالاتر خواهد گرفت»

### آیت الله منتظری:

خودداری از هجوم و حمله به دشمن غدار، برای ملت، سؤال برانگیز شده

آیت الله منتظری، در تاریخ ۱۰ دیماه ۵۹، طی نامه‌ای خطاب به امام جمعه اهواز و روحانیون خوزستان، معتقد است که «سیاست وقت کنی و مهلت تفادک نیرو به رژیم سفاک عراق دادن» بقیه در صفحه ۷

### در صفحات بعد

سال میلادی چگونه گذشت (۳)

جبهه انقلاب جهانی، علیرغم مقاومت‌های امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی آمریکا، به پیش می‌رود صفحه ۶

ما به دام تحریک و نفاق افکنی نمی‌افتیم. شما هم از این دام حذر کنید

(چند نکته در باره «تحلیل» آقای ع. ابا صالحی در روزنامه جمهوری اسلامی)

صفحه ۳

آیت الله بهشتی متذکر شد «با دشمنان انقلاب نمی‌توان تعارف کرد و باید برخورد انقلابی داشت». دکتر بهشتی همچنین درباره مسائل سیاسی فعلی کشور از جمله گفت: «یکمده دائماً سرشان فقط توی این روزنامه‌ها و مجله‌ها و گزارش‌های صهیونیستی و امپریالیستی دنیا، می‌گویند: ای وای دارند انقلاب ما را آبرویش را می‌برند. مگر ما از اینها جز این هم می‌شد توقع داشته باشیم. به شما قول می‌دهم فقط در یک حالت اینها به شما بارکاله خواهند گفت، و آن وقتی است که دوبرتبه به شکل تازه‌ای راه بازگشت امپریالیسم و صهیونیسم را به کشور عزیزتان باز کنید. به آنها بگویید بفرمایید، خیرمقدم. در آنحالت تمام دستکاهای تبلیغاتی درباره همه مردم ما به ستایش و ثناگویی خواهند پرداخت». «ما یک ۳۰ میلیون داریم یک پنج میلیون و یک یک میلیون. آن یک میلیون، آن هیچوقت نمیتواند از ما راضی بشود. متأسفانه این یک میلیون، هم زبانش خیلی دراز است. امکانات تبلیغاتی هم خیلی زیاد است و همه‌جا می‌خواهد خود را به عنوان وکیل این ۳۶ میلیون معرفی کند. این یک میلیون حسابش جداست. کاریش نداریم. یک ۳۰ میلیون داریم. مردم کوچک و خیابان - یک پنج میلیون هم داریم که دیر تصمیم می‌گیرد. اگر این ۳۰ میلیون حرکت را با قدرت و شتاب در سمت مطلوب جلو ببرد، قول می‌دهم این ۵ میلیون به دنبالش حرکت خواهد کرد. این ۳۰ میلیون با آن وجدان بیدار آگاهی که دور از این اصطلاحات قلبیه و سلمیه، می‌تواند حقایق را بفهمد و بشناسد و راه انتخاب کند، به سرعت دارد انتخاب خودش را نشان می‌دهد.» بقیه در صفحه ۲

## ملاقات کیسینجر با فرح در مصر برای هماهنگی علیه انقلاب ایران

هنری کیسینجر در جریان دیدار خود از مصر، با فرح ملاقات و گفت‌وگو کرد. براساس گزارش خبرگزاری آمریکائی آسوشیتدپرس، کیسینجر دوشنبه گذشته در قاهره با فرح یک گفت‌وگوی طولانی داشت. کیسینجر بعد از این دیدار گفت: «فرح دنیا یک دوست است و ما در دوران‌های بسیار مشکل ر کنار آمریکا بوده است.» خبر این دیدار، در شماره روز چهارشنبه گذشته (۱۰ دی ۵۹) روزنامه انگلیسی‌زبان «تهران تایمز» چاپ تهران، در لابلای اخبار دیدار کیسینجر از مصر چاپ شد.  
نامه «مردم»: اوج گیری توطئه جدید امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مسلماً با این دیدار ارتباط دارد و برای ایجاد هماهنگی بین نیروهای ضد انقلاب ایران انجام گرفته است.

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

امپریالیسم وحشی ...

بقیه از صفحه ۱

این روزها با افشای انواع توطئه‌های ریاکارانه امپریالیسم امریکا، از نامه خدمت‌آمیز کارتر به امام خمینی گرفته، تا پنهان شدن در پشت ماسک «حقوق بشر» چهره دوزخی امریکا...

عریان خود رود روی ماست. چهره‌ای که از چشم‌هایش تجاوز و تهاجم شعله میکشد و از دهان عفونی‌اش فریادهای وحشی و سبانه سرمایه پگوش میرسد...

در دو پاسخی که توسط نخست‌وزیر منتشر شده است، امپریالیسم امریکا ریاکارانه از همه چیز صحبت کرده است، غیر از شرایط ایران! دولت امریکا، که در پاسخهای خود به ایران...

رد داده و حاضر نشده است شرایط ایران را بپذیرد. مثلا در حالیکه یکی از شرایط ایران این بوده که امریکا تعهد کند «از این پس» در ایران دخالت نظامی و سیاسی نکند...

«ایالات متحده امریکا حاضر است که یک نسخه از اعلامیه رسمی را که به امضای رئیس جمهور ایالات متحده رسیده و در آن ایالات متحده خط مشی خود را، که عبارت از خودداری از دخالت کردن در امور داخلی ایران، اهم از مستقیم و یا غیر مستقیم و سیاسی و یا نظامی باشد، اعلام دارد.» (کیهان - ۸ دی ۵۹)

در این پاسخ، نه تنها امریکا تعهد نکرده که «از این پس» در ایران دخالت نکند، بلکه رندانه چنین وانمود کرده است که خط مشی امریکا عدم دخالت در ایران است، و باین ترتیب خود را از همه جنایات گذشته تبرئه کرده است...

پس بگیرد. اما امریکا تنها پذیرفته که ۳۰۵ میلیارد دلار، که به نظر امریکا همه ثروت ایران در امریکا است، به حساب کشور الجزایر واریز کند...

یانکی را از زیر هزاران خروار رنگ و نیرنگ لیبرالی بیرون میکشد و بار دیگر نشان میدهد که امریکا «گروگانها» را نمی‌خواهد، ایران را میخواهد.

نخست‌وزیر در دیدار خود با سفیرای کشورهای خارجی در این باره گفت: «ما ساده‌ترین راه را برای حل مشکلات این بخش مسئله پیشنهاد کردیم، اما امریکا، که بنای حل مساله گروگانگیری را نداشت، بسا جنجال تبلیغاتی و حرکتهای مذبحخانه در دنیا جنجال براه انداخت.» (کیهان - ۸ دی ۵۹)

«امریکا برای مسئله ۵۴ گروگان مطرح نیست و میخواهد سلطه خودش را بر کشور ما ادامه دهد.» (همانجا) باین ترتیب نخست‌وزیر در سخنان خود به جهانیان اعلام کرد که: «گروگانها» بهانه‌اند، امریکا ایران را میخواهد. و برآستی مضمون سیاست امریکا چیزی غیر از این نبوده و نیست...

هم باشد، عملی سازد. این است چهره تجاوزگر امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امریکا!

امپریالیسم وحشی

اما امپریالیسم، بنا بر ماهیت تجاوزگر خود، وحشی و جنایتکار هم هست. تاریخ این وحشگری را قرن اخیر با خون هزاران شهید و استخوانهای میلیون‌ها قربانی، بر صفحات خود ثبت کرده است. از روزی که سرمایه‌داری رو به رشد اروپا بسوی کشورهای دور - دست شراع کشید، تاریخ جنایات سرمایه‌داری در میان خلقهای جهان آغاز شد...

سرمایه‌داری از همان روز که به غارت ثروتهای خلقهای سراسر جهان پرداخت و توده‌هایی را که از خانه و کاشانه خویش دفاع میکردند، درخوششان غرق کرد، چنان وانمود کرد که برای دفاع از خود «وحشی» را از میان برده است. امروز هم که هفت تیرکسی دیگر، از تبار همان جالادان، ریاست جمهوری بزرگترین انحصارات جهانی را بر عهده گرفته است، و امپریالیسم امریکا - اگر بتواند - برای قتل‌عام دیگری در ایران چون شیلی و اندونزی و ویتنام... نقشه میکشد و مردم قهرمان ایران «وحشی»

نامیده میشوند. ریگان، این قدره کش جدیدی یانکی‌ها، همانکه قبلا رزمندگان قبرمان فلسطین را «وحشی» خوانده بود، این بار مردم ایران را «وحشی» خواند و گفت خیال نمی‌کند که «امریکا به ایران برای رهائی گروگانها باج بدهد!» (کیهان - ۸ دی ۵۹)

ریگان سپس مردم ایران را تهدید کرد که چنین و چنان خواهد کرد. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، چنانکه باید، ماهیت این سخنان هفت - تیرکسی جدید کش سفید را فاش کرد و گفت:

«شما گردن کلفت‌ها در قهرمانان این جنایت را تحت این نام کرده‌اید و هر جا خواستید جنایت کنید اول مردم را متهم به وحشیگری کرده‌اید. از شما وحشی‌تر در تاریخ بشریت وجود ندارد و مخصوصا سردمداران جمهوریخواه امریکا.» (کیهان - ۸ دی ۵۹)

این سخنان برآستی که فریاد خشمگین مردم قهرمان ایران است که بعد از ۲۵ سال غارت مستقیم توسط امپریالیسم امریکا و نبرد با رژیم دست - نشانده‌اش و ۲ سال پیکار سترک و خونین رو در رو با امپریالیسم امریکا، ماهیت تجاوزکار و وحشی آن را بخوبی میشناسد.

خلق ایران، همانطور که نخست‌وزیر گفت، آماده است تا «یکباردیگر» در آزمایشی که در پیش گرفته، امریکا را با شکستی کامل‌تر از گذشته مواجه کند و این تصمیم ملت قهرمان است.»

به تاسیسات ...

بقیه از صفحه ۱

اطلاعی از جمله آمده است:

۱- در جبهه‌های اهواز، در روز ۱۰، ۱۰، ۵۹، ۱۰، برآثر آتش شدید توپخانه، خمپاره‌انداز و سلاحهای سنگین نیروهای زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۳ دستگاه تانک، ۳ عراده توپ، یک دستگاه نفربر، ۳ دستگاه خودرو، ۳ دستگاه لودر و ۲ دستگاه کامیون حامل مهمات نیروهای ارتش عراق منهدم شد و ۵ نفر از نیروهای مزدور صدام کشته و ۷ نفر مجروح شدند. ۲- در جبهه‌های دزفول، در روز ۱۰، دیماه

مواضع ارتش عراق در جبهه‌های دزفول زیر آتش توپخانه‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و در نتیجه خسارات و تلفات قابل ملاحظه‌ای به دشمن وارد شد و چندین سنگر دشمن منهدم و مقادیری از وسایل و تدارکات و مخازن آنان به آتش کشیده شد. در این عملیات ۳ نفر از پرسنل نیروهای مخصوص دشمن زخمی شدند و همچنین در یکی از جبهه‌های دزفول برآثر آتش توپخانه و اعزام تیم گشتی توسط رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، یک انبار مهمات دشمن منهدم و ۵ نفر از مزدوران عراقی کشته و عده زیادی نیز مجروح شدند.

۳- روز ۱۰، دیماه توپخانه‌های دورزن ارتش جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن در بندر فاو و تاسیسات نظامی و نفتی این بندر را زیر آتش شدید خود قرار دادند که این تیراندازیها تا ساعت ۱۲:۳۰ روز ۱۰ دیماه ادامه داشت. برآثر این تیراندازیها تاسیسات نفتی دشمن در فاو و مواضع آنان آسیب کلی دیده و یک نفر بر زرهی دشمن منهدم شد و از تلفات جانی دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست. ۴- برآثر آتش توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و حمله جنگنده‌های هوانیروز، یک نفر بر زرهی و یک دستگاه تانک دشمن در جبهه خونین‌شهر منهدم شد

و از مزدوران صدام یک نفر کشته و ۴ نفر زخمی گزارش شده است. همچنین با اجرای آتش بر روی مواضع دشمن در جاده خونین شهر - اهواز حدود ۱۱ نفر از مزدوران ارتش عراق کشته و مجروح شدند. ۵- در روز ۱۰ دیماه مواضع دشمن در منطقه شیخ‌بدیل زیر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای خودی قرار گرفت که در نتیجه ۲ دستگاه تانک دشمن منهدم و تعداد زیادی از پرسنل مزدوران صدام به‌لاکت رسیدند. در این عملیات یک دستگاه تانک نیروهای خودی، آسیب دید و همچنین از

اسلامی ایران مجروح شدند. ۷- در روز ۱۰ دیماه برآثر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بیش از ۸۰ نفر از مزدوران ارتش عراق در جاده دارخوین - مارد کشته و مجروح شدند. در این عملیات خسارات وارده به دشمن عبارت بوده است از: انهدام ۶ دستگاه تانک، ۴ دستگاه خودرو، ۶ سنگر، یک خمپاره - انداز سنگین و یک پاسگاه فرماندهی ارتش عراق. ۸- در جبهه آبادان، در روز ۱۰ دیماه، ۲ تن از سربازان نیروهای خود به درجه شهادت رسیدند.

مگر این ملت...

بقیه از صفحه ۲

دکتر بهشتی سپس به تمام اقشار و طبقات انقلابی خطاب کرد و گفت: «فوقیدل باشید، توده ملت ما راه خود را به روشنی انتخاب کرده است.» وی افزود: «بنده این دغدغه‌هایی را که اینروزها می‌آیند، توی این روزنامه توی آن روزنامه منتشر می‌کنند و بعضی از این تاکسیها - گویا حدود ۲ هزار تاکسی ضدانقلابی داریم، که ملت ما باید این راننده‌های ضدانقلابی تاکسی را رسماً شناسایی کند و به مقامات قضایی معرفی کند - ما این دغدغه‌ها و دلبره‌آفرینی‌ها را پاک غلط و ناپیچا و برخلاف واقعیت موجود یافته‌ایم. دشمنها بدانند، ملت ما با همان انسجام و هماهنگی و قدرت در مقابلشان ایستاده است. دولتها بدانند ملت ما آنچورها که می‌گویند، دچار دغدغه و سرگردانی و حیرانی نیست. بلکه یک مدتی دچار یک نوع دغدغه و نگرانی و مقداری حیرانی و سرگردانی شده بود اما این ملت، ملتی نیست که درازمدت در این سرگردانی‌ها بماند...»

وی گفت: «هوشیار باشید، توطئه‌ای در کار است، عده‌ای می‌خواهند با تضعیف دولت، بی‌ثباتی در ایران بوجود آورند. جامعه انقلابی ما امروز بیش از هر چیز به ثبات نیاز دارد. ما هر نوع سبب‌پاشی را که نتیجه‌اش بی‌ثباتی در اداره این کشور است محکوم می‌کنیم.» دکتر بهشتی آنگاه در رابطه با مسائل جنگ، ضمن اعلام اینکه وضع عمومی نیروهای انقلاب در مصاف تجاوزگران روز به روز

بهبتر شده و می‌شود، به یک پرسش عمومی مردم اشاره کرد و گفت: «این سؤال را همه‌جا می‌شنود. سؤال می‌کنند، آقا چرا ارتش ما، سپاه ما، رزمندگان ما، نیروهای مسلح ما در جبهه، حرکت قاطع تهاجمی‌شان را شروع نمی‌کنند؟» دکتر بهشتی سپس ضمن قدردانی از کوشش تمامی نیروهای انقلاب در جبهه‌های جنگ طی پیامی به آنان از جمله گفت: «هرچه زودتر حمله تهاجمی و قاطع خودتان را بر ضد متجاوزان مزدور صدام آغاز کنید.»

پس از سخنان آیت‌الله بهشتی، حجت‌الاسلام خامنه‌ای، امام - جمعه تهران در خطبه‌های نماز، اظهارات سردمداران ظلم و جنایت کاخ سفید امریکا را مورد بحث قرار داد. حجت‌الاسلام خامنه‌ای همچنین درباره ضرورت وحدت سخن گفت و از جمله لزوم وحدت علیه امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه را یادآور شد. وی گفت: «آمریکا و عمالئش سعی می‌کنند با مطرح کردن جاسوسان آمریکائی ملت ما را مرعوب کنند. گاهی مقالات روزنامه‌های معروف اروپا و آمریکا و حتی روزنامه‌های مزدور منطقه عربی، نوید می‌دهند به خودشان، که رئیس‌جمهور جدید آمریکا نرمش و ملایمت به خرج نخواهد داد و به ایران حمله خواهد کرد. گاهی مصاحبه‌هایی با سران سیاسی مستکبر بزرگ و شیطان بزرگ پخش می‌کنند که حاکی از این است که تصمیم سختی برای ملت ایران گرفته شده. برای اینکه ملت و دولت ما را مرعوب کنند، از ناحیه مرعوب شدن و ترسیدن در ما سستی ایجاد کنند. این از خارج، از داخل هم عوامل خودشان را، سرانگشتان مزدورشان را وادار کنند که در میان مردم، حالت بی‌صبری بوجود بیاورند. بی‌صبری در مقابل دشواریهای طبیعی یک انقلاب، وی سپس به مشکلات و نارسایی‌هایی ناگزیر تمام انقلابها

که طی آن تغییر بنیادی در جامعه صورت می‌گیرد اشاره کرد و همگان را دعوت به صبر و تحمل نمود. حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس به توطئه دشمن برای ایجاد اغتشاش اشاره کرد و گفت: «من اعلام میکنم، هرگونه اعتصابی، هرگونه تحصنی تحت هر عنوانی امروز خیانت به اسلام و مسلمین است.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در رابطه با فعالیت عمال دشمن خارجی برای انحراف توجه مردم از دشمن اصلی گفت: «مگر این ملت داغدار تسلیم این می‌شود که افرادی تحت‌عنوانهایی، چه در میدان رزم، چه در میدان سیاست، چه در میدان وسایل اجتماعی، مردم را از دشمن اصلیشان غافل کنند. این ملت بیدار، هوشیار و مقاوم بوده و هست و در آینده نیز خواهد بود.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای سپس ضمن اشاره به پشتیبانی تمام ملت‌های مسلمان و انقلابی در منطقه و در سراسر جهان از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گفت: «ما پیام محبت‌آمیز شما، همکاری شما، وحدت باشما را از همه چیز عزیزتر میشماریم... این توفانها و موجها بالاخره غاصبان کشتیهای قدرت را در این منطقه خواهد برد. ما طرفدار وحدت اسلامی طرفدار وحدت خلقهای عرب هستیم. اما آن وحدتی که مانند وحدت اسلامی محمدرضای خان نداشت.» حجت‌الاسلام خامنه‌ای درباره وحدت در سطح منطقه اسلامی از جمله گفت: «وحدت در سراسر دنیای اسلام و بر محور قرآن و اسلام و احترام به حقوق ملت‌ها و انسانها و توده‌های مستضعف، وحدت بر محور دشمنی بسا امپریالیستها و مستکبران، این وحدت، وحدت محترم و اسلامی است.» وی سپس از تمام گروهها و اقشار خواست که از دولت حمایت کنند تا بتواند وظایف خود را انجام دهد.



# زنان دستفروشان شیراز

دو سال از انقلاب شکوهمند ایران میگذرد و یکی از مصلحت‌هنسور حل‌ننده آن بحران بیکاری است. این بحران ریشه‌های عمیق در رژیم جنایتکار و سرسیزده پهلوی دارد. لیکن بعد از انقلاب سیر علت اشتباهات مسئولین امر و خرابکاریهایی است که در انقلاب با این بحران دامن زده شده است. در دولت "گام به گام"، صدام‌افلاسون از بیکار افتادن مراکز تولیدی با انواع حیل جلوگیری بعمل آوردند و اینک نیز از هیچ توطئه‌ای برای به تعطیل کشاندن مراکز صنعتی و تولیدی خودداری نمی‌کنند. یکی از مظاهر ررنداین بحران در وجود ویرانی هر چه بیشتر "دست‌فروشان" تجلی می‌یابد. این قشر رحمتش در تلاش معاش، آخرتس...

بیراغ فروشنده دیگری میرویم. این یکی انواع واقسام حبوسات را در پشت‌های متعددی ریخته و میفروشد. از وضع کسب و کارش جو یامی شویم. میگوید:



"هر چه همه میخواستند، چیزی بیشتری نمی‌خواهیم". راهنمان را ادامه میدهم. به خانم سالخورده‌ای بر میخوریم که در کنار بساط تنباکو نشسته است. خود را معصومه کوه‌نگ، ۴۲ ساله، معرفی میکند. از زندگی می‌پرسم. تنباکو در نزدیکی خانواده زندگی می‌کند. روزی ۲ تومان میدهد. از کارش سوال می‌کنیم. میگوید:

"درآمد خیلی کم است، این تنباکو شاید چند هفته طول بکشد تا فروش برود". در مورد انقلاب فقط سلامتی امام خمینی را آرزو دارد. میگوید:

"مادر دعا کن امام سالم باشد. همه چیز درست میشود. فقط خدا امام را حفظ کند". در مورد جنگ می‌پرسم. به سه سبب فحش میدهند و برای خانواده‌های جنگ زده دلسوزی میکند. میگوید:

"درآمد چندانی ندارم و الاحتمال کمک به آنها می‌کردم". از وی خدا حافظی می‌کنیم و به بساط دیگری می‌رویم. بیرونی در جلوی بساطی روی زمین نشسته است. انواع واقسام داروهای عطاری را می‌فروشد. نامش ماهرخ جاماسی است. ه‌ساله است. ۴ پسر و یک دختر دارد. بخاطر بی سربست بودن، به این شغل روی آورده است. میگوید:

"کاروکاسی خیلی بد است. خرچمان زیاد است. دوپسر بزرگ بیکار هستند. می‌پرسم از دولت چه انتظاری داری؟ میگوید:

"باید به ما هم رسیدگی کنند. هر روز از صبح تا عصر می‌آیم اینجا می‌نشیم، ولیکن برای نان شب هم محتاجیم".

با مشکلات و خواستهای تنی چند از این زنان رحمتکش آشنا شدیم. دولت انقلابی باید با یکار اندازی مراکز تولیدی و ایجاد نظمی مناسب برای شهروندان ایرانی، این قشر رحمتکش را نیز به کارهای فعال و خلاق مشغول دارد.

"بیست سال است از مردش بخاطر وضع بد کشاورزی به شیراز آمده‌ایم و حالاً در کپه‌های فلک‌ولی عصر زندگی می‌کنیم". دویچه ۴ و ۵ ساله دارد. شوهرش از آغا جنگ به جبهه رفته است. راجع به جنگ میگوید:

"انشاء الله زودتر تمام شود و این جنگ‌زده‌ها هم به خانه‌شان برگردند".

از وضع بعد از انقلاب می‌پرسم میگوید:

"خدا حفظشان کند. برای محله آب لوله کشی کشیده‌اند. صبحها هم برای زنها کلاس درس گذاشته‌اند. ولی بوضع ما باید بیشتر رسیدگی کنند. از صبح تا حالا (ساعت ۵ صبح) هنوز فروشی نداشتم".

## کارگران تولیدارو

# با انقلاب در همه سنگرها

### کارگران و جنگ

از ابتدای تجاوز آمریکایی رژیم صدام به انقلاب ایران، کارگران تولیدارو، هم‌در صف مقدم جبهه دفاع از میهن انقلابی شتافتند. هم در پشت جبهه تمام امکانات خود را بکار گرفتند. بعضی از امکانات کارگران در این مدت بقرار زیر است:

الف - همه کارگران منقضی خدمت سال ۵۶، که قریب به ۴۰ نفر را شامل می‌شد، به جبهه جنگ اعزام شده‌اند. عده‌ای از کارگران نیز بطور داوطلب به خط مقدم جبهه رفته‌اند.

ب - شورای کارکنان کارخانه آمادگی کارگران را، بمنظور اعزام به جبهه، بطور رسمی به مسئولین مربوطه اعلام داشته است.

ب - تعدادی از کارکنان فنی برای کارهای تعمیراتی به جبهه رفته‌اند.

ت - بسیج کارخانه، که پیش از جنگ، مدتی جنگ‌اندازی فعالیت نداشت، پس از شروع جنگ، مجدداً شروع به کار کرد.

ث - یک گروه بیست و یک نفری از طرف انجمن اسلامی آمادگی رزمی یافته و آمادگی خود را برای پاسداری از کارخانه اعلام داشته است.

ج - از طرف انجمن اسلامی در گوجه تولیدارو جادری برپا شده و کمک‌های زیاد اهالی

محل و کارگران به هلال احمر واگذار می‌شود.

ج - کارخانه فقط دو آمبولانس در اختیار داشت، که هر دو را به جبهه فرستاد. هر چند روزیکبار نیز مقدار کمی دارو به جبهه ارسال می‌شود.

ح - علیرغم بخش مکرر اعلامیه‌های گروهک‌های ضد-انقلابی مائوئیستی و چپ‌نما-های آمریکایی دایر بر "ارتعاشی بودن جنگ و اصرار بر عدم شرکت کارگران در امر دفاع از میهن، کارگران، چه در صحنه تولید و پشت جبهه، چه در صف مقدم نبرد، به فعالیت خستگی ناپذیر و توام‌باجانفشانی خود ادامه می‌دهند.

### تولید ادامه دارد

در تولیدارو، قسمت کیوان، با تامین روغن نباتی، کار از نو شروع شده و تولید ادامه دارد. در قسمت کیوان حدود ۱۵۰ نفر مشغول کارند. در این جادر اثر کمبود شکر و روغن نباتی، بعضی از خطوط از کار افتاده بود، که با فراهم آمدن روغن نباتی، اکنون تولید از سر گرفته شده است. هر چند هنوز در بعضی از قسمت‌ها کم‌کاری وجود دارد.

### تعديل حقوق‌های گزاف

در اواخر آبان ماه گذشته، طی بخشنامه‌ای، حق ایاب و ذهاب کسانی که حقوق‌های بالاتر

**کارگران تولیدارو:**  
در سنگرهای خطوط مقدم جبهه می‌جنگند در کارخانه پاسدار تولید و پشتیبان جنگاورانند یا تعدیل مزایای کلان، در خط انقلاب به پیش می‌تازند!

از صد و پنجاه هزار ریال در ماه می‌گرفتند و از سرویس هم استفاده می‌کردند، قطع شد. این افراد، که عموماً از مدیران تولید، سربست‌های بخش و امثال آن بودند، بعنوان اعتراض اعلامیه‌ای داده و اظهار داشته‌اند که دیگر از این پس از سرویس رفت و آمد استفاده نخواهند کرد و بایست همان مبلغ ماهیانه هشت هزار ریال حق ایاب و ذهاب به آنان تعلق گیرد!

بدیهی است که کارگران، شورای کارکنان و انجمن اسلامی کارخانه با این خواست غیر-معقول مخالفت کردند. حرکت استوار، اصولی و پیگیر کارگران انقلابی تولیدارو در خط دوران ساز حرکت مردم ایران است و از ماهیت پیشقراولی طبقه کارگر خبر می‌دهد. ما نندکارگران تولیدارو همه امکانات و نیروهای خود را در راستای انقلاب بکارگیریم.

## گر امی باد خاطرۀ کارگر توده‌ای، شاطر علی خوئینی!

**شاطر علی:**  
می‌خواهم تا آخرین لحظه عمرم در میان رفقای توده‌ای باشم

شاطر علی خوئینی، رفیق کهنسال و مبارز ما، در سن ۸۵ سالگی چشم از جهان فرو بست. او یکی از قدیمی‌ترین اعضای حزب توده ایران در قزوین بود.

شاطر علی مبارزه را از زادگاهش خوئین از توابع زنجان، که در سیطره خوانین ذوالفقاری بود، شروع کرد. وی ۲۵ سال صادقانه در میان رفقای عزیز و چون کامبخش و قدوه، و زمانی در فرقه "دمکرات" آذربایجان همراه شهید شیخ محمد علی خوئینی در زنجان، در صفوف مبارزان راه استقلال آزادی و بهروزی کارگران زحمتکش مبارزه کرد.

شاطر علی یار کارگران، راهنما و پیش‌گام کسوت آنها بود. شاطرها، لاقه اندازان، خمیر گیران، با دوا و با جالدا زهای نانوائیهای قزوین، سالیان سال شاهد مبارزات دلیرانه او در راه احقاق حقوق صنعتی قزوین بهمت اوتشکیل شد و سالها سنگر مبارزان ناتوا-خانه‌ها بود.

شاطر علی با رها بخاطر دفاع از حقوق کارگران به زندان افتاد و تحت شکنجه‌های طاقت فرسا قرار گرفت و زمانی هم به زندان تهران تبعید گردید.

در این اواخر میگفت:

وافری داشت. او بخانواده‌اش وصیت کرده بود، به محض اینکه حالم بهم خورد، دنبال رفقای توده‌ای بفرستید، و به همراه آنها مرا از زمین بردارید، می‌خواهم تا آخرین دم حیات با آنها باشم و در میان آنها این جهان را وداع گویم. خاطرۀ اش گرامی باد!

## قابل توجه خبرنگاران نامه «مردم» که برای صفحه کاری مطلب می‌فرستند

با تشکر از رفقایی که اخبار و گزارش‌های گوناگون کارگری برای نامه "مردم" ارسال میدارند، از همه رفقا خواهشمندیم موارد زیرین را در نظر داشته باشند:

- ۱- اخبار و گزارش‌های ارسال شده باید با احساس مسئولیت کامل تهیه شود و در صورتی باشد.
- ۲- اسامی خاص (کارخانه‌ها، افراد و...) بطور خاص و کل مطلب بطور اعم، کاملاً خوانا باشد، مطلب پشت و روی کاغذ نوشته نشود، بلکه روی یک صفحه کاغذ باشد.
- ۳- رپرتاژها به کارگاه‌های کوچک محدود نشود، در مورد کارخانه‌ها و واحدهای بزرگ تولیدی و مسائل عام آن‌ها بیشتر گزارش فرستاده شود.
- ۴- در صورت امکان گزارش‌ها حتماً با عکس همراه باشد. عکس رنگی نباشد.
- ۵- اخبار مربوط به تعطیل شدن احتمالی کارخانه‌ها، با ذکر دلایل و شرح راه افتادن مجدد آن، بویژه با ذکر دقیق تاریخ، ارسال شود.
- ۶- اخباری که از تحسن و اعتصاب احتمالی در این میان واحد فرستاده می‌شود، حتماً باید بدنبال آن تاریخ پایان و چگونگی آن، گزارش شود.
- ۷- در هر حال تاریخ دقیق هر خبر، نام و عنوان واحد تولیدی و نوع تولید آن باید تصریح شود.
- ۸- نظریات خود را درباره نحوه درج مطالب و مضمون مطالب صفحه کاری، بمنظور بهبود آن، ارسال دارید.

موفق باشید!

## طبقه کارگران ایران در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است

اگر زمین در اختیار ما باشد، با عشق و علاقه به تلاش میپردازیم و بیشتر کار می‌کنیم.

# اجرای فوری قانون اصلاحات ارضی راه درست غلبه بر آمریکا و تجاوزگران صدامی است

روستائیان جرات کنند و بخواهند بطور دستجمعی روی زمینهای را کفودالها کشت نمایند، با حمله جماهیداران فئودال روبرو شده و آزار شکنجه می‌شوند.

این مسئول همچنین در باره روستائیان بی‌زمینی که بر روی اراضی فئودالها کار می‌کنند، گفته است: "روستائیان که بطور عجزدوری و نصفه‌کاری روی زمینهای فئودالها کار می‌کنند، منطقیان اینست که محصول و در نتیجه دسترنج ما از آن دیگران است و اگر زمین در اختیار ما باشد، با عشق و علاقه به تلاش می‌پردازیم و بیشتر کار می‌کنیم."

قانون اصلاحات ارضی بویژه هدف و سیاسی دور کردن دهقانان از انقلاب و ایجاد تخم یاس و نومیدی در دل دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین را تعقیب می‌کند. بخشی از سخنان مسئول هیئت واگذاری، که در نشریه "پیام مبارز" آمده است، موبد این نکته "یاس و دل‌سردی ناشی از مشکلات قبل از انقلاب و استثمار و بیچارگی" است. نشریه اضافه می‌کند: "بارها گروه‌های تحقیق از طرف نهادهای دولتی و انقلابی به روستاها آمده و در زمینه مسائل مشکلات زندگی روستائیان همچون زمین، آب، احشام، تعداد خانوار و وضع تحصیل و بهداشت در روستاها تحقیق و آمارگیری پرداختند ولی هیچ اقدامی بعمل نیامد."

اعلام مسئله تقسیم زمین بودند، اعلام همبستگی نمایند و خدا از درون آنان آگاه است. عده‌های درنرسد گروه‌های تحقیق ستاد واگذاری زمین اظهار زبونی و همبستگی می‌کنند، ولی در خفا دست به توطئه و اشغال تراشی می‌زنند و عده‌های دیگر از زمین داران حتی در ظاهر هم مخالفت خود را اعلام نمودند و شورای منتخب روستائیان را نیز تهدید به مرگ کرده اند و جالب آن که هر سه دسته خوب فهمیده‌اند که دیگر عمر بهره‌کشی و استثمار کردن آنان بسزای آنهاست.

پاسداران، آن نقشه‌های شیطانی را یکی پس از دیگری نقش بر آب کردند. سقوط دولت موقت و اعلام طرح انقلابی "واگذاری و احیای اراضی" مصوبه شورای انقلاب، موجب امیدواری هر چه بیشتر تبه‌دستان روستا و مقاومت مذبح‌خانه، ولی هر چه فروتر زمینداران بزرگو لیب‌الها و روحانی نمایان طرف‌سدار آنان گردید. توطئه‌ها و تحریکات و کارشکنی‌ها، یکی پس از دیگری، از سوی بهره‌کشان به اجرا درآمد، تا مانع اجرای قانون اصلاحات ارضی و کار هیئت‌های هفت نفری مأمور اجرای این قانون شوند.

## واگذاری زمین‌های بایر و موات به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین

در استان اصفهان (داران) روستایی است به نام "ننادگان"، که نزدیک به ۳ هزار نفر جمعیت دارد و از کمبودهای فراوانی رنج می‌برد، از جمله این روستا برق، جاده و پل ندارد. مردم این روستا، به کمک هیئت هفت نفری، ۲ نفر نماینده خود را انتخاب کرده‌اند، که خوشبختانه هر دو نفر از دهقانان آگاه و زحمتکش این روستا هستند. این نمایندگان، به کمک مردم روستا، توانسته‌اند به خوش نشین‌های بی‌زمین و کم‌زمین‌ها، زمین واگذار کنند. گرچه اکثر زمین‌هایی که به روستائیان واگذار شده، زمین "موات" یا "بایر" بدون مالک بوده و اربابان نمی‌توانند ادعایی داشته باشند ولی این‌ها صدا به "اعتراض" بلند کرده‌اند، زیرا اگر کشاورز زمین از خودش داشته باشد، دیگر حاضر نمی‌شود تن به استعمار بدهد و در زمین ارباب و بزرگ مالک کار کند. به همین جهت مالکین عمده اصولاً با هر نوع اصلاحات ارضی به سود دهقانان و اجرای هر یک از بندهای قانون - نه تنها بند "ج" - مخالف هستند. آن‌ها می‌خواهند شیره جان دهقانان را بکنند و برای این کار نمی‌گذارند دهقانان به حق خود، یعنی به زمین برسند. به این ترتیب مالکان حتی در مورد زمین‌های موات و بایر نیز شکایاتی تسلیم ادارات مختلف می‌کنند تا شاید بتوانند اصولاً در کار اصلاحات ارضی اختلال کنند. به خصوص از وقتی اعلام شده که فعلاً بند "ج" عمل نمی‌شود، این شکایات‌ها رو به فزونی گذاشته است و بهانه تازه‌ای برای اربابان شده است تا دست به ارباب و خرابکاری بزنند.

از طرف دیگر، کشاورزان این روستا با کمک نمایندگان منتخب خود و هیئت هفت نفری داران، زمین‌ها را به صورت "مشاع" کشت کرده‌اند. هم‌چنین این گروه‌های مشاع اقدام به حفر چاه در زمین‌ها کرده‌اند و باوایمی که "هیئت" داده است، توانسته‌اند کشت پاییزه را "گندم دیمی" بکارند و بتوانند در بهار، با استفاده از چاه و آب، به رشد محصولات خود بپردازند. سایر دهقانان به روستائیان ننادگان آفرین می‌گویند. چه بهتر که در همه جا هیئت‌ها، با کمک خود روستائیان، به طور تعاونی عمل کنند و با کشت مشاع، راه زندگی بهتر و فارغ از تسلط بزرگ مالک را، به سود انقلاب، بکشایند.

است، که نیمه تمام است. اهالی این ده صورت کتبی از جهاد خواستند که اقدام به حفر چاه عمیق کند. اهالی این روستا نیز آمادگی خود را برای شرکت در بسیج عمومی اعلام کرده‌اند. منقضیان خدمت ۵۶ این روستا نیز خود را معرفی کرده‌اند. اهالی این روستا همچنین ۳۰ رأس گوسفند، مقدار فراوانی نان، پنیر و انگور نیز به جنگ - زدگان کمک کرده‌اند. قریه قرانقو در این قریه ۱۵ خانوار زندگی می‌کنند، که از این تعداد ۱۲ خانوار خوش‌نشین‌اند، جمعیت این ده حدود ۲۳۰ نفر است. جهاد سازندگی در این ده اقدام به تاسیس حما م و لایروبی قنوات کرده است و وضع را بسیار خراب است. در مانگا، پزشک و دارو ندارد. دارقشلاق این قریه از توابع دهستان مهربان، در فاصله ۹۸ کیلومتری همدان و دارای ۸۰ خانوار است (۱۴ خانوار خوش‌نشین).

مالکین این ده دارای زمین‌هایی به مساحت ۳۲۰ هکتار بوده‌اند، که بدنبال انجام وظیفه انقلابی هیئت هفت نفری واگذاری زمین بین خوش‌نشینان تقسیم شد، تا برای امسال به زیر کشت برده شود. یکی از خوش‌نشینان در این باره می‌گوید: "لازم است زمین‌ها را به صورت قاطع و قانونی و برای همیشه واگذار کنند، که ما هم با دلگرمی بیشتری به کار کشاورزی بپردازیم". در این روستا از بهداشت، دارو و درمانگاه خبری نیست، جهاد سازندگی مشغول احداث یک حمام دوشی است، و این امر موجب خوشحالی اهالی روستا شده است. آنها راه شوسه و بند گندم برای کشت طلب می‌کنند. اهالی این روستا آمادگی خود را برای شرکت در بسیج عمومی اعلام کرده‌اند و همچنین ۷ رأس گوسفند و ۴۰۰۰۰ ریال وجه نقد به جنگ، زدگان کمک کرده‌اند. قریه قرانقو در این قریه (۱۰۰ کیلومتری شمال غربی همدان، جمعیت حدود ۹۲۰ نفر، ۱۸۰ خانوار، ۳۰ خانوار خوش‌نشین) ۲۵۰ هکتار زمین متعلق به ارباب بود، که دهقانان نسل اندر نسل با کار خود آن را آباد کرده بودند. خوش‌نشینان و دهقانان این زمین‌ها را بین خود تقسیم کرده‌اند و این امر با موافقت هیئت هفت نفری واگذاری زمین صورت گرفته است. یکی از دهقانان در این مورد می‌گوید: "سال گذشته، قبل از تقسیم زمین، هر وقت از مالک شکایت می‌کردیم، نمایندگان ما را به زندان می‌انداختند". یکی دیگر از دهقانان می‌گوید: "اگرچه تاکنون در زمین کشاورزی هیچ گونه کمکی به ما نکرده‌اند، ولی ما امیدواریم، جهاد سازندگی در این ده مشغول احداث یک حمام دوشی

# دهقانان مهربان آماده دفاع از انقلاب و خواستار واگذاری زمینها هستند

باز هم به روستاهای دهستان مهربان می‌رویم و این بار از خواست و نیازهای اهالی روستای گجل احمد و قرانقو و دارقشلاق سخن می‌گوئیم. قریه گجل احمد این قریه در ۱۲۲ کیلومتری شمال همدان واقع است. (۶۰ خانوار، ۲۲ خانوار خوش‌نشین جمعیت در حدود ۳۴۰ نفر).

**دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی و سپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرید**



حجت الاسلام خلیفای طی یک سخنرانی در شهر سمنان، ضمن اشاره به حضور ناوگانهای دول امریالیستی در خلیج فارس و توطئه‌های آنها علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گفت: «انحصارات چند ملیتی که همیشه وظیفه انهدام ملل مستضعف را داشته‌اند، الان منافع خودشان را در خطر می‌بینند.»

حجت الاسلام خلیفای که روز ۲۸ آذرماه ۵۹ در سالن سروشیده استادیوم تختی سمنان، در حضور گروه کثیری از مردم این شهر سخن می‌گفت، ضمن اظهار مطلب بالا، افزود: «در جامعه ما دیگر نباید فئودال، سرمایه‌دار، فساد و قاچاق وجود داشته باشد. دیگر نباید نصیری‌ها در جامعه ما باشند.»

وی خطاب به مردم گفت:

«شما دست انگلها را کوتاه کردید و امروز در زیر فشار قرار دارید. محاصره اقتصادی می‌شوید. ناوهای جنگی امریکای، انگلستان و کانادا از تنگه هرمز می‌گذرد و به خلیج فارس می‌آیند. آنها می‌خواهند دوباره نفت را مجانی ببرند. ولی اگر از آنها حرکتی در خلیج فارس مشاهده شود، خلیج فارس را می‌بندیم. بسته شدن خلیج فارس، یعنی بسته شدن گلولی امریالیسم و صهیونیسم.»

حجت الاسلام خلیفای در ادامه سخنان خود یادآور شد: «آنها نمی‌خواهند غارتگری گذشته را از دست بدهند. می‌آمدند در ایران و بوسیله شاه خان و دارودسته او مورد استقبال قرار می‌گرفتند. بعد هم در میهمانیهای مفصل از طرف اعلم و شریفانامی

### حجت الاسلام خلیفای:

## «دیگر بعد از انقلاب آقابالاسری از انگلستان و امریکا نمیخواهیم»

✦ عوامل ضدانقلاب را طرفداران غرب در دولت موقت فراری دادند. مراغه‌ای، نزیه و بختیار را چه کسانی فراری دادند؟

✦ در جامعه ما دیگر نباید فئودال، سرمایه‌دار، فساد و قاچاق وجود داشته باشد. دیگر نباید نصیری‌ها در جامعه ما باشند.

و... شرکت می‌کردند. پروتکل‌ها را امضا می‌کردند و با تشریفات کامل و بدون دردسر از کشور خارج می‌شدند. ولی حالا مسئله اینطور

نیست. ما در يك انقلاب اسلامی و اصیل اعلام کرده‌ایم که دیگر بعد از انقلاب آقابالاسری از انگلستان و امریکا نمی‌خواهیم. ما به سراسر جهان عملاً نشان داده‌ایم که می‌خواهیم نفت خودمان را خودمان داشته باشیم. دیگر گذشت آن دورانی که نفت ما مفت و مجانی از لوله‌های نفت آبادان به بنادر اسرائیلی جاری شود.»

وی آنگاه به فرار عوامل وابسته به امریالیسم و ارتجاع جهانی اشاره کرد و گفت: «آنها بوسیله طرفداران غرب که در دولت موقت بودند، فرار کردند و گذرنامه قلابی درست کردند. مراغه‌ای، نزیه و بختیار را چه کسانی فراری دادند؟»

حجت الاسلام خلیفای، در بخش دیگری از سخنان خود، به توطئه‌های امریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران اشاره کرد و گفت: «آمریکا از هر دری وارد شد که انقلاب ایران را شکست دهد، از طریق طیس، اختلافات داخلی، از طریق گروههای منحرف، ولی توطئه‌های امریکا یکی پس از دیگری با شکست مواجه شد.»

حجت الاسلام خلیفای در پایان سخنان خود به لزوم اتحاد و هبستگی اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: «ما باهم در ارگانهای دولتی اختلافات جزئی داریم. اختلافات سلیقه وجود دارد. با همه اختلافات سلیقه‌ای که بین ما وجود دارد، باید مواظب بود که دشمن استفاده نکند. اتحاد خود را حفظ کنید و قدر این انقلاب و اتحاد را بدانید.»

## ضدانقلاب در کردستان به فعالیت ادامه میدهد

بوکان در دست‌پیشمرگان قاسملو قرار دارد و گروهک‌های سیا ساخته «پیکار» و «کومله» همچنان در شهر هستند و پاسداران در چند صد متری آن مستقرند. در اینجا گرانای از میروان هم بیشتر است. بگفته یک کسی از شاهدان عینی، یک بشکه نفت به قیمت ۴۷۰۰ تومان بفروش رفته است! در دزلی، یکی از دهکده‌های نزدیک مرز، بمدت ۴ روز نیرو-

در میروان گرانای بیداد می‌کند، بطوریکه یک حلب نفت ۶۵ ریالی به قیمت ۳۰۰ تومان به فروش می‌رسد. کمبود آذوقه و مواد غذایی مردم را در تنگنا قرار داده و باعث ناراضی‌شدید قرار داده و آنها شده است. چندی قبل، پیشمرگان قاسملو به شهر حمله کرده بودند، ولی حملاتشان دفع شد. اکنون حملات پراکنده و مداوم به شهر صورت می‌گیرد.

## استقلال ایران... بقیه از صفحه ۱

البته آمریکا میتواند با آتش بازی کند، ولی باید متوجه باشد که این بازی در منطقه‌ایست که شیشه‌های امریالیسم در آنجاست. این بازی اشکک دارد، سر-شکستک دارد. این بازی باخت دارد، ولی هرگز برد ندارد. خلق قهرمان ایران به رهبری امام خمینی تصمیم راسخ دارد که از هستی خود، از استقلال خود، از آزادی خود، از تمامیت ارضی خود، از انقلاب خود، از جمهوری اسلامی خود، با تمام توان خود، تا آخرین نفر و آخرین قطره خون خود، در برابر امریکای جنایتکار و همه متحدان کوچک و بزرگ خارجی و داخلی او دفاع کند، و در این دفاع تنها نیست، تمام جبهه جهانی همدم امریالیستی با اوست.

امریکا در این «بازی» میتواند کمر خود را بشکند، ولی هرگز موفق نخواهد شد جمهوری اسلامی ایران را از پای در آورد. پیروزی خلق قهرمان ما حتمی است. کسب این پیروزی، علیرغم تمام دشواری-هائی که دارد، حتمی است. در دوران کنونی، هر خلقی که یکپارچه برای نجات استقلال و شرف خود از چنگک امریالیسم ددمنشی قیام کند، پیروز میشود.

تمام خواهد شد. اینجانب ضمن تسلیت به خانواده‌های داغ‌دیده و شهیدپرور خوزستانی، از حضرات علمای اعلام می‌خواهم مراتب راضی‌ها به عرض رهبر انقلاب حضرت امام خمینی منظره و به نظر مجلس شورای اسلامی رسانده و تا وقت نگذشته، فکری اساسی جهت دفع قوای کفر و تجاوزگر بعث عراق بشود. به امید پیروزی قوای اسلام بر کفر والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته.

۱۰۰۹۱۰۹۱۰۵۹ حسینعلی منتظری

## خودداری از... بقیه از صفحه ۱

حضرات حجج اسلام آقایان علمای اعلام خوزستان، ایدم‌الله‌تعالی. کشتار مردم بی‌دفاع‌ها و توسط ارتش رژیم صدام کافر، موجب تاسف شدید شده البته فداکاری و از خودگذشتگی ملت، ارتش و سپاه اسلام، در تاریخ کم‌نظیر است، ولی همزمان با چنین روحیه و قدرتی در ارتش غیور و سپاه عزیز ما، خودداری از هجوم وحمله

## ما به دام تحریک...

بقیه از صفحه ۶

قوای انقلابی و کفر ستیز از این مزدوران وابسته به یگانه خلع بد عمل آورند و دستهای مرموزشان را از صحنه سیاست‌های داخلی و خارجی انقلاب اسلامی قطع نمایند.»

درباره این پیشنهاد چه میتوان گفت؟ لاقلاً میتوان گفت که حیرت‌انگیز است، برای اینکه بیشتر نگفته باشیم.

اگر این پیشنهاد در روزنامه «میزان» مطرح شده بود، حیرت-انگیز نبود. بیاد داریم که رئیس دولت موقت، در همان نخستین روزهای که بر سر کار آمده بود، پیشنهاد کرد که قوانین رژیم شاه‌ملعون، تا زمانی که عوض نشده‌اند، نسبت به حزب توده ایران، بقوت خود باقی باشند. یعنی حزب توده ایران همچنان «منحله» باقی بماند و از فعالیت علنی آن ممانعت بعمل آید، تا منحل آسایش «پیشمان» شدگان از انقلاب نکرده. بیش از این تومی از او و یارانش نبود. آنها همان رژیم ساقط شده را می‌خواستند، منهای شاه، آنهم بدلیل اینکه نتوانستند او را نگاهدارند، تا «سلطنت کند نه حکومت!» آنها چشم دیدن حزب توده ایران را نداشتند - و ندارند- چونکه میدانستند که این حزبی است که در مبارزه برضد امریالیسم و ارتجاع و برای استقلال و آزادی ایران از مبارزه علیه استعمار و استثمار، در راه تامین حقوق و منافع زحمتکشان، سرسخت و آشتی-ناپذیر است. آنها چرات نداشتند که علناً با «خط امام» مخالفت کنند و فقط «از دست آقا کلافه» می‌شدند. ولی تصور می‌کردند که میتوان بنام «اسلام» فلان فعالیت حزب توده ایران جلو گرفت... ولی این «پیشنهاد» لبرالها عملی نشد. امام خمینی مکرر اعلام داشتند که مدافعان انقلاب «از هر گروه و مسلک» باید متحداً از انقلاب دفاع کنند. امام خمینی اعلام داشتند که «دیکتاتوری در اسلام بزرگترین گناه‌هاست.»

در دوران دیکتاتوری رضاخان قلدر، بنا به دستور دولت قخمیه

## ما جلب «آتش پهلوتی» نمی‌شویم

حزب توده ایران سمت حرکت مشخصی دارد. سمت حرکت آن روی «خط امام» در جهت تامین پیروزی قطعی و نهائی انقلاب، در جهت شکستن هرگونه توطئه و تجاوز امریالیسم، بسرکردگی امریکا، برای تامین استقلال کامل و واقعی کشور در جهت تحقق نوسازی کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان، در جهت تحقق آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم، خلاصه در جهت تحقق اصول اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. حزب ما از این سمت حرکت و مبارزه منحرف نخواهد شد. ما جلب «آتش پهلوتی» نمی‌شویم و هیچگاه سمت حرکت و قطب حرکت خود را گم نمی‌کنیم. ما به همه دیگر انقلابیون راستین نیز همواره توصیه کرده‌ایم و باز توصیه میکنیم که: جلب آتشی که، به هر پنهانی، از پهلو، بروی آنها گشوده میشود، نشوند، هیچگاه غیرعمده را عمده نکنند، لحظه‌ای از تقویت رهبری امام خمینی و از تقویت خط ضد امریالیستی و مردمی امام خمینی غفلت نوزند، بدانند که دشمن انقلاب ما، استقلال ما، آزادی ما، ترقی ما، دشمن حال و آینده ما، دشمن همیشگی ما - امریالیسم، بسرکردگی امریکا است، که باید تمام نیروهای انقلابی مبین ما «از هر گروه و مسلک» متحداً و دست در دست یکدیگر، فداکارانه، ایثارگرانه، جانباذانه علیه او برزیم، تا بتوان پیروزی قطعی و نهائی انقلاب را تامین کرد.

ما اطمینان داریم که اگر همه نیروهای انقلابی هشیاری بخیر دهند و متحداً عمل کنند، خلق قهرمان ما، بسر رهبری امام خمینی، خواهد توانست بر دشمن غدار - امریکا و عمالتش - غلبه کند، بر دشواریها چیره شود، میهنی مستقل و آزاد و آباد بسازد که در آن توده‌های میلیونی زحمتکشان از همه‌گونه نعمات مادی و معنوی برخوردار باشند.

ما توده‌ایها در این راه و بخاطر این مقصود، بیدریغ، بی‌توقع، با تمام وجود خود، تا پای جان مبارزه کرده‌ایم، میکنیم و خواهیم کرد.

انگلستان، قانون معروف به «قانون سیاه» در سال ۱۳۱۰ وضع شد. کمیونتهای آژمن را طبق آن «قانون» گرفتند و بزندان افکندند، ارانی را در زندان بقتل رساندند.

در دوران پسر سفاکتی، پس از کودتای نظامی امریکائی ۲۸ مرداد ۳۲، آن «قانون» در عمل «تکمیل» شد. «توده‌ایها» را گرفتند و گروه گروه تیرباران کردند، به سیاه‌چالها افکندند، در معرض حیوانی‌ترین شکنجه‌ها قرار دادند، و این جریان تا آخرین روزهای رژیم دست‌نشانده، وطن فروش، آدمکش و آزادی‌کش محمدرضای جانی ادامه داشت. ولی توده‌ایها نپردتند. در تمام طول مدت این ۲۵ سال خفقان سیاه و خونینی که بر خلق و کشور ما گذشت، هزاران بار گفتند و میلیونها بار تکرار کردند که حزب توده ایران «منحل» شد. ولی حزب توده ایران منحل نشد. توده‌ایها نه فقط نپردتند و منحل نشدند، بلکه به نبرد آشتی‌ناپذیر خود با امریالیسم جنایتکار و استبداد دست‌نشانده‌اش ادامه دادند، تا سرانجام در جشن انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، که زیر پرچم اسلام و برهبری امام خمینی به پیروزی رسید، شرکت کردند.

پس از انقلاب، باز، و این بار «جاده صاف کن‌های امریکا و ضدانقلاب»، چنانکه گفتیم، خواستار اعمال «قانون» رژیم منحل‌پهلوی درباره منع فعالیت حزب توده ایران شدند. و شکفتا که حالا ما مشاهده میکنیم که نویسند «تحلیل»، که خود را پیرو خط امام و مدافع روحانیت مبارز و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میدانند، به «دلیل» اینکه حزب توده ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط امام و روحانیت مبارز پیرو خط امام پشتیبانی می‌کند او صلاح دانسته است که برای جلوگیری از «پهنه‌سازیهایی» لبرالها، این-پشتیبانی را ضدپشتیبانی جلوه دهد، همان پیشنهاد را تکرار میکند، تا «قانونی» بر ضد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضع شود، و باز، بگونه دوران «شاهنشاهی»، حزب توده ایران «منحله» شود! درواقع حیرت‌انگیز است که چنان «تحلیل» و چنین «پیشنهادی» در روزنامه «جمهوری اسلامی» جایی برای چاپ و انتشار یافته است.

